

Lexical Coherence in Surah As-Sajdah

Abdolvahid Navidi ^{a*}

^a Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

KEY WORDS

the Holy Qur’ān,
Surah As-Sajdah,
lexical coherence,
repetition,
collocation

Received: 17 July 2023;
Accepted: 07 November 2023

Article type: Research Paper
DOI:10.22034/paq.2023.708861

ABSTRACT

Textual coherence is one of the most important theories raised in text grammar. This theory examines and analyzes the elements that connect the constituent parts of the text. In order for a text to be coherent, it needs three lexical, grammatical and linking factors, each of which are divided into several subgroups, and their presence in a text creates the coherence and cohesion of the constituent parts of that text. The present descriptive-analytical article aims to analyze the lexical coherence in Surah As-Sajdah and to analyze and evaluate the degree of coherence and cohesion between the ayahs and its components. The results of the article indicate that Surah As-Sajdah has a high degree of lexical coherence that includes repetition and collocation. The most important reason of this cohesion comes from repetition, which by being scattered throughout the text, connects the ayahs and different parts of the text together. As for collocations, antonymy has played a prominent role in this surah. It is used in line with the main meaning and theme of the text, which is the confrontation between believers and unbelievers.

* Corresponding author.

E-mail address: a.v.navidi@scu.ac.ir

2023 Published by Arak University Press. All rights reserved.





بررسی و تحلیل انسجام واژگانی در سوره سجده

عبدالوحید نویدی الف*

الف استادیار گروه زبان و ابیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران،

a.v.navidi@scu.ac.ir

چکیده	واژگان کلیدی
<p>انسجام متنی یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح‌شده در دستور زبان متن است. این نظریه به بررسی و تحلیل عناصری می‌پردازد که اجزای تشکیل‌دهنده متن را به هم مرتبط می‌سازد. برای اینکه یک متن منسجم باشد به سه عامل واژگانی، دستوری و پیوندی نیازمند است. هر یک از این سه عامل خود به چند زیر مجموعه تقسیم می‌شوند و وجود آن‌ها در یک متن، باعث انسجام و پیوند اجزای تشکیل‌دهنده آن متن خواهد شد. نگارنده در مقاله پیش‌رو بر آن است تا به روش توصیفی - تحلیلی، انسجام واژگانی را در سوره سجده بررسی کند و میزان انسجام و پیوند میان آیات و اجزای آن را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد. نتایج مقاله حاکی از آن است که سوره سجده در حوزه‌ی واژگانی که شامل تکرار و هم‌آیی است، از انسجام بالایی برخوردار است. مهم‌ترین عامل این انسجام به تکرار برمی‌گردد که با پراکنده‌شدن در سراسر متن، آیات و اجزای مختلف متن را به هم پیونده زده است. در حوزه هم‌آیی نیز عنصر تضاد نقش پررنگی در سوره ایفا کرده است؛ امری که در راستای معنا و مضمون اصلی متن یعنی تقابل میان مؤمنان و کافران به کار رفته است.</p>	<p>قرآن کریم، سوره سجده، انسجام واژگانی، تکرار، باهم آیی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۶</p> <p>مقاله علمی پژوهشی</p>

۱. مقدمه

یکی از مباحث مهم و بنیادی در تفسیر قرآن، بررسی کیفیت انسجام متنی سوره‌های قرآن کریم و مسأله تناسب و ارتباط آیات با یکدیگر است. برخی از خاورشناسانی که در زمینه علوم قرآنی دست به پژوهش زده‌اند، از پراکندگی ظاهری آیات و سوره‌های قرآن به عنوان یکی از معایب و نواقص قرآن یاد کرده‌اند. «ریچارد بل»^۱ یکی از قرآن‌پژوهان اروپایی که قرآن را به انگلیسی ترجمه کرده است، از ناپیوستگی قرآن سخن به میان آورده و گفته است: «یکی از ویژگی‌های اصیل سبک قرآن این است که جسته جسته است و به‌ندرت می‌توان در بخش عمده‌ای از یک سوره، پیوستگی و انسجام معنایی پیدا کرد» (ایازی، ۱۳۷۹، ۷۸). بلاشر^۲ (۱۳۷۸، ۳۰۱)، شرق‌شناس، عربی‌دان و یکی از مترجمان قرآن به زبان فرانسوی، قرآن را ناپیوسته و ازهم‌گسیخته دانسته و پیشنهادهایی برای جابجایی برخی آیات

1. Richard Bell
2. Régis Blachère

داده‌اند. گلدزیهر^۳ مستشرق یهودی مجارستانی که به تحلیل‌های مغرضانه از اسلام و تشیع معروف است، پا را از این فراتر نهاده و با اشاره به مشکلاتی که سبب بی‌نظمی آیات قرآن شده، بر تنظیم قرآن به سبک جدیدی تأکید کرده‌اند (خرمشاهی، ۱۳۶۱، ۹).

براین اساس، پاسخ به چنین شبهاتی از سوی قرآن‌پژوهان مسلمان، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. البته تعدادی از اندیشمندان مسلمان با انجام پژوهش‌هایی تلاش کردند تا انسجام درونی سوره‌ها و آیات قرآنی را اثبات کنند. عبدالقادر جرجانی، زبان‌شناس برجسته و ادیب ایرانی سده پنجم هجری و بنیان‌گذار علم بلاغت، مباحث آغازین علم تناسب را در سایه نظم قرآن مطرح کرده است. (ایاضی، ۱۳۷۹، ۱۱۷). ابن عربی، عارف، شاعر و فیلسوف مسلمان دوره اندلس و مشهور به «الشیخ الاکبر»، پیوستگی میان آیات را در دو کتاب خود «سراج المریدین» و «احکام القرآن» نشان داده و پیوند و تناسب آیات قرآن را امری بدیهی و این علم را علمی عظیم دانسته است (حجازی، ۱۹۷۰، ۲۰). فخر رازی، فقیه، متکلم، فیلسوف، مفسر و شاعر ایرانی، توجه زیادی به تناسب آیات داشته و به موارد متعددی از ترتیب، پیوستگی و روابط میان آنها در تفسیر «مفاتیح الغیب» اشاره کرده است. (السیوطی، ۱۹۹۶، ج ۲: ۲۸۸)

در دوره معاصر نیز تفاسیر و کتب متعددی در دفاع از تناسب میان آیات نگاشته شده است. علامه طباطبائی در تفسیر «المیزان» (الطباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۱۴)، عبدالله دزاز، عالم و مفسر معاصر مصری و صاحب آثار متعددی در حوزه قرآن، در کتاب «النبأ العظيم» (دراز، ۲۰۰۵، ۱۴۲)، صبحی صالح، متفکر و ادیب معاصر عرب و استاد زبان و ادبیات دانشگاه بیروت، در کتاب «مباحث فی علوم القرآن» (صالح، ۲۰۰۰، ۱۵۰ به بعد) و مصطفی مسلم، نویسنده سوری الاصل و مفسر قرآن، در کتاب «مباحث فی التفسیر الموضوعی» (مسلم، ۱۴۲۶، ۵۷ به بعد) و ده‌ها پژوهشگر دیگر، درباره انسجام، نظم و پیوند میان آیات سخن گفته‌اند.

مقاله حاضر نیز در راستای پاسخ به چنین شبهاتی نگاشته شده است. نگارنده برای اثبات فرضیه خود یعنی انسجام درونی سوره‌ها و آیات قرآن، سراغ نظریه‌ای رفته است که اتفاقاً خاستگاهی غربی دارد؛ یعنی نظریه انسجام متنی. وی برای اینکار، سوره سجده را انتخاب کرده است تا با تطبیق نظریه مذکور روی آن، به اثبات یا رد فرضیه خود بپردازد. بر این اساس، هدف اصلی نگارش مقاله پیش‌رو عبارت است از بررسی انواع انسجام واژگانی و ارتباط میان آیات در سوره سجده و کشف میزان عوامل انسجامی و در نهایت یافتن پاسخی علمی و متقن برای برخی شبهاتی که در مورد از هم‌گسیختگی قرآن وجود دارد. در همین راستا برای تحقق چنین امری نگارنده بر آن است تا برای پرسش‌های زیر پاسخ مناسبی بیابد.

۲. سوالات پژوهش

- ۱- برپایه نظریه انسجام متنی، عناصر انسجام واژگانی در سوره سجده کدام است؟
- ۲- کدام عنصر یا عناصر انسجام واژگانی بسامد بیشتری دارد؟
- ۳- استفاده از یک یا چند عنصر انسجام واژگانی چه نقشی در تبیین جنبه‌های نهفته در سوره دارد؟

۳. پیشینه پژوهش

در مورد انسجام متنی و سوره سجده پژوهش‌های صورت گرفته است. در ادامه، به این پژوهش‌ها در دو بخش سوره

سجده و انسجام متنی در قرآن اشاره خواهد شد:

سوره سجده

- ۱- کتاب «الكلام الخبري في سورة السجدة دراسة وصفية تحليلية بلاغية» از أمينة الرشيدة. همان طور که از عنوان کتاب برمی آید، نویسندگان به بررسی یکی از موضوعات بلاغی به نام خبر در سوره سجده پرداخته است. وی در باب دوم به مفهوم علم بلاغت و چگونگی سیر تطور آن پرداخته و در ادامه، مفهوم کلام و اقسام آن و نیز شیوه‌های خروج از آن را بررسی کرده و در باب سوم، کلام خبری و انواع آن را در سوره سجده مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.
- ۲- کتاب «دراسة لغوية وبلاغية لسورة السجدة» از محمد یاکشک بن محیی الدین الهیسانی. نویسندگان به بررسی معانی مفردات و مسائل صرفی، نحوی و بلاغی سوره سجده پرداخته است.
- ۳- مقاله «منهج الدعوة في سورة السجدة دراسة دعوية» از عبدالله بن محمد بن عبد العزیز السببعی، مجلة البحوث والدراسات الشرعية، المجلد ۲۸، العدد ۲، الجزء الثاني، ۲۰۱۶، الصفحة ۱۸۴۷-۱۹۶۲. نویسندگان در این مقاله، سبک و شیوه دعوت را در سوره سجده بررسی کرده است.
- ۴- مقاله «دروس وعبر من سورة السجدة» از محمد بن حمد بن عبدالله المحیمید، مجلة تبيان للدراسات القرآنية، العدد ۴، سنة ۲۰۰۹م، صفحات ۲۶۹-۴۴۴. نویسندگان در این مقاله به تفسیر موضوعی سوره سجده پرداخته است.

انسجام متنی در قرآن

- ۱- پایان‌نامه «زیباشناسی انسجام متنی در دو سوره مبارکه زمر و احزاب» از محمد حسین فاضلی، دانشگاه کاشان، دانشکده زبان و ادبیات خارجی، ۱۳۹۵. پژوهش حاضر کوشیده است تا دو سوره احزاب و زمر را از دیدگاه زبان‌شناسی نقشگرا و با بهره‌گیری از عناصر آوایی، دستوری، واژگانی و ربطی مورد تحلیل قرار دهد.
- ۲- پایان‌نامه «بررسی عوامل انسجام متنی در سوره مبارکه‌ی انعام» از معصومه قربان‌پور، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده‌ی علوم قرآنی خوی، سال ۱۳۹۷ ش. این پژوهش بر اساس نظریه انسجام مایکل هیلیدی و رقیه حسن، بعد از بررسی و تعریف عوامل انسجامی از قبیل دستوری، واژگانی و پیوندی؛ این عناصر را در سوره انعام مورد بررسی قرار داده و میزان بسامد و کاربرد آنها را به صورت تحلیل‌های آماری، مشخص نموده است.
- ۳- پایان‌نامه «بررسی عناصر انسجام متنی در سه سوره «واقع، دهر و قارعه» بر اساس نظریه انسجام متنی هالییدی و رقیه حسن» از امیر قدیمی، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۳۹۹ ش. پژوهش حاضر به بررسی انسجام متنی و عناصر آن در سه سطح دستوری، واژگانی و پیوندی در سه سوره مزبور پرداخته است.
- ۴- مقاله «عوامل انسجام متنی در سوره نوح» از یونس ولی‌بی، محمود میرزایی حسینی و محمد فرهادی. مجله پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن (کاوشی نو در معارف قرآنی)، سال پنجم بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره ۱ (پیاپی ۹). این مقاله، عوامل انسجام متنی را در سوره نوح در سه سطح واژگانی و دستوری و پیوندی بررسی کرده است.
- ۵- مقاله «کارایی نظریه هالییدی و حسن در ترسیم انسجام متنی سوره مزمل» از عزت ملاابراهیمی و زهرا رضایی، مطالعات ادبی متون اسلامی سال پنجم بهار ۱۳۹۹ شماره ۱ (پیاپی ۱۷) ۹-۳۱. در پژوهش حاضر به بررسی کمی انسجام و پیوستگی متن بر اساس الگوی مایکل هالییدی و نظریه مکمل رقیه حسن با عنوان هماهنگی انسجام در سوره

مبارکه‌ی «مزل» پرداخته شده است.

۶- مقاله «بررسی عناصر انسجام متنی در سوره لقمان براساس نظریه نقش‌گرایی مایکل هلییدی و رقیه حسن» از حسین مهتدی، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال ۱۴۰۰، شماره ۳ (پیاپی ۳۵). پژوهش حاضر در پی آن است تا ضمن تبیین کاربست عناصر انسجام متنی نقش‌گرایی هلییدی و حسن در سوره لقمان به این سؤال مهم پاسخ دهد که تا چه میزان امکان کاربست نظریه انسجام متنی هلییدی و حسن در ترسیم انسجام متنی سوره لقمان وجود دارد. بنابراین آنچه آمده است، سوره سجده تاکنون بر اساس نظریه انسجام متنی مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است و پژوهش حاضر در نوع خود جدید به شمار می‌رود.

۴. چارچوب نظری: انسجام و انواع و ابزارهای آن

در بین مکاتب مختلف زبان‌شناسی، «مکتب زبان‌شناسی نقش‌گرا» بیشترین بررسی را در حوزه‌ی متن و انسجام آن ارائه داده است (ساسانی، ۱۳۸۹، ۱۲۴). هالییدی و رقیه حسن، روابط بین جمله‌ای را انسجام متنی نامیده و در تعریف آن گفته‌اند: «انسجام، مفهومی معنایی است که به روابط معنایی در متن اشاره دارد و آن را از غیر متن متمایز می‌سازد» (خامه‌گر، ۱۳۹۷، ۷). بر این اساس، انسجام عبارت است از تفسیر و تعبیر یک عنصر با توجه به عنصر دیگر در متن. انسجام بر سه نوع است انسجام واژگانی، انسجام دستوری و انسجام پیوندی، و هر یک از اینها، خود دارای ابزارهای مخصوص به خود است. در ادامه به این سه نوع اشاره می‌شود.

۴.۱. انسجام واژگانی

روابط مفهومی در سطح واژه‌ها را انسجام واژگانی می‌گویند. همان‌طور که می‌دانیم مهم‌ترین ابزار انتقال اندیشه و زبان نویسنده، واژه است. به‌همین دلیل، نقش بسزایی در پیوستگی اجزای یک متن برعهده دارد، به‌گونه‌ای که «نحوه کاربرد واژگان در یک متن، نوع متن و سبک صاحب اثر را آشکار می‌سازد» (امرائی، ۱۳۹۸، ۲۲۷). به‌طورکلی می‌توان گفت که معنای یک واژه با معانی دیگر واژه‌های زبان در ارتباط است و وظیفه عمده معناشناسی واژگانی، تبیین این روابط معنایی است (ترسک، ۱۳۸۰، ۸) و هرچه این ارتباط، قوی‌تر و واژگان یک متن از لحاظ معنایی، پربارتر باشد، انسجام متن نیز به‌همان میزان بیشتر خواهد بود. مهم‌ترین ابزارهای انسجام واژگانی عبارتند از:

۴.۱.۱. تکرار

تکرار یکی از مهم‌ترین ابزارهای انسجام‌بخش متن است که طی آن عناصری از جمله‌های قبلی متن در جمله‌های بعدی تکرار می‌شود. «تکرار به‌کارگیری متعدد برخی عناصر متن است که سبب به وجود آمدن شبکه‌ای از روابط بین عناصر متن می‌شود و ساختار متن را محکم و جنبه معنایی آن را تقویت می‌کند» (حلو، ۲۰۱۲م: ۲۰). تکرار خود به «تکرار همان کلمه، ترادف، کلمه شامل و کلمه عام» تقسیم می‌شود. برای پرهیز از تکرار مطالب، توضیح هر یک از موارد فوق در بخش تحلیلی خواهد آمد.

۴.۱.۲. هم‌آیی

گاه می‌توان به‌جای تکرار یک واژه بخصوص، از رابطه‌های هم‌آیی و هم‌معنایی میان واژه‌های موردنظر نیز برای ایجاد رابطه میان جمله‌ها استفاده کرد (Halliday, 2002: 6-8 و Mikk, 2000: 184). به عبارت دیگر به ارتباط

همیشگی یک واژه با واژگان معین در زبان، هم‌آیی گفته می‌شود به طوری که با ذکر یک واژه، واژه خاص دیگر نیز انتظار ذکر شدن را داشته باشد (فرج، ۲۰۰۷، ۱۱۱) هم‌آیی نیز مانند تکرار به انواع مختلفی قابل تقسیم است از جمله: تضاد، رابطه جزء به جزء، واژگان مرتبط با یک موضوع معین، شمول مشترک، واژگان مرتبط با یک مجموعه منظم، ارتباط جزء با کل. در بخش تحلیلی توضیح هر یک از این موارد خواهد آمد.

۲.۴. انسجام دستوری

منظور از انسجام دستوری، روابطی است که میان عناصر متن در سطح جمله‌ها به وجود می‌آید. ابزارهای انسجام دستوری عبارتند از: ارجاع، حذف و جانشینی. ارجاع خود به ارجاع ضمیری، موصولی و اشاری قابل تقسیم است. حذف و جانشینی نیز هر کدام به سه نوع اسمی، فعلی و بندی تقسیم می‌شوند.

۳.۴. انسجام پیوندی

انسجام پیوندی ناظر به وجود ارتباط معنایی و منطقی میان جمله‌های یک متن است و به چهار نوع تقسیم می‌شود: «ارتباط اضافی، ارتباط سببی، ارتباط تقابلی و ارتباط زمانی تقسیم شده است» (لطفی‌پور ساعدی، ۱۳۸۵ش: ۱۱۴).

۵. انسجام واژگانی در سوره سجده

قبل از بررسی انواع انسجام واژگانی در سوره بهتر است به موضوعات پرداخته‌شده در آن، اشاره شود. این موضوعات عبارتند از: بیان مبدا و معاد، اقامه برهان بر این دو مسأله و دفع شبهاتی که درباره این دو مسأله ایجاد می‌شود. علاوه بر این، خداوند به مسأله نبوت و کتاب و ویژگی‌های مؤمنان حقیقی و کافران و فاسقان اشاره می‌کند و به دسته اول وعده ثواب می‌دهد و به دسته دوم وعید می‌دهد و آنها را به انتقام شدید تهدید می‌کند که همان عذاب دردناک و ابدی در دنیا و آخرت است. سوره با تأکید بر وعید و دستور به پیامبر خدا (ص) به پایان می‌رسد. همانطور که قبلاً اشاره شد انسجام واژگانی بر دو نوع قابل تقسیم است: تکرار و هم‌آیی. در ادامه به هر یک این دو و زیرمجموعه‌های آنها همراه با شاهد مثال‌هایی از سوره سجده اشاره خواهد شد.

۵.۱. نوع اول: تکرار

تکرار کلمات در متن علاوه بر اینکه باعث انسجام اجزای آن متن می‌شود، مضمون اصلی آن را نیز مورد تأکید قرار می‌دهد. در تکرار، یک واژه ممکن است در قسمت‌های مختلف متن به کار برود و این امتداد در انسجام و پیوستگی متن بسیار حائز اهمیت است و از پراکندگی اجزای آن جلوگیری می‌کند؛ امری که کاملاً بر سوره مورد بحث صادق است. کارکرد تکرار به قول تمام حسان «تجدید حافظه و نشان دادن ارتباط قبل و بعد است» (حسان، ۱۹۹۳، ۱۰۹). تکرار انواعی دارد که عبارتند از:

۵.۱.۱. تکرار همان کلمه

این نوع تکرار خود بر سه نوع است و هر سه نوع در سوره قابل مشاهده است:

۵.۱.۱.۱. تکرار مستقیم (یا تکرار ساده)

تکرار مستقیم زمانی است که واژه عینا و بدون تغییر تکرار شود. بی‌شک در یک متن واژه‌های بسیاری وجود دارد که بیش از یک بار تکرار می‌شود، اما به بارو برخی از پژوهشگران آنچه سبب انسجام متن می‌شود تکرار واژه‌های مهم است. ممکن است در یک متن، واژه‌های دستوری بسیاری مانند حروف اضافه و حروف ربط به کار رود، اگر چه این واژه‌ها در انسجام متن بی‌تأثیر نیستند، اما تأثیر نهایی و اصلی را در انسجام متن نه این واژه‌ها که واژه‌های متنی برعهده دارند (اقبال و دیگران، ۱۳۹۶، ۹۸). تکرار مستقیم نقش مهمی در انسجام و پیوستگی سوره ایفا کرده است. بسامد این نوع تکرار در جدول زیر آمده است:

جدول شماره ۱: بسامد تکرار مستقیم در سوره سجده

کلمه	تعداد تکرار	کلمه	تعداد تکرار	کلمه	تعداد تکرار
رب	۱۰	آیات	۴	ارض	۴
یوم	۴	عذاب	۴	کانوا	۴
لقاء	۳	کان	۳	ذوقوا	۳
خَلَقَ	۲	امر	۲	ماء	۲
کل	۲	مجرمون	۲	نفس	۲
ماوی	۲	النار	۲	الفتح	۲
جعل	۲	الكتاب	۲	يقولون	۲
يعملون	۲	جعلنا	۲	بین	۲
قبل	۲				

تکرار مستقیم در سوره سجده - همان طور که در جدول شماره ۱ آمده، گاهی از نوع تکرار اسمی است و گاهی از نوع تکرار فعلی است. تکرار برخی از واژگان حاکی از اهمیت و نقش آنها در ساحت معنایی و مؤید محوری بودن آنها است (فرج، ۲۰۰۷، ۱۰۸). واژه رب که ۱۰ بار تکرار شده، محور اصلی سوره سجده را تشکیل می‌دهد و نقش اصلی در انسجام معنایی با دیگر قسمت‌ها دارد. این واژه در آیه‌های ۲، ۳، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۲۲ و ۲۵ تکرار و در سطح متن پراکنده شده است؛ امری که اجزای مختلف متن سوره را به هم پیونده زده است. به قول برخی از پژوهشگران «تکرار زمانی معنادار خواهد بود که یک یا چند واژه در سطح متن و جملات متعدد به کرات آمده باشند» (نظری، ۱۳۸۹، ۷۶). بر این اساس، ارزش و اهمیت تکرار به پراکنده شدن آن در اجزای مختلفی از یک متن است؛ امری که عملا در سوره سجده اتفاق افتاده و انسجام لفظی و دلالتی آن را به دنبال داشته است. از دیگر اهداف تکرار واژه (رب)، اثبات وجود پرورش دهنده واقعی انسان، اهمیت یاد و نام و تکیه بر او در تمام مراحل زندگی است.

عذاب، واژه دیگری است که چهار بار در آیه‌های ۱۴، ۲۰ و ۲۱ و در کنار واژه وَذُوقُوا (۲ بار) و مشتقات آن «لَنْذِيقَنَّهُمْ» تکرار شده است. بی‌شک تکرار این واژه نیز در راستای بخشی از معنای کلی آمده است که همان عذاب کافران و مشرکان است که منکر قرآن و وعده‌های قرآن هستند و دلیل این عذاب هم چیزی نیست جز استمرار آنها بر انجام کارهای باطل و تکذیب قرآن و پیامبر و وعده‌های او: وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۴) وَذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنتُمْ بِهَا تَكذِبُونَ (۲۰) وَلَنْذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَى دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ.

خداوند آنها را به چشیدن عذاب دستور می‌دهد. در آیه آخر از فعل مضارع «وَلَنْذِيقَنَّهُمْ» استفاده می‌کند که هم

معنای تأکید دارد، هم معنای استمرار را می‌رساند. یعنی عذاب آنها ضمن اینکه قطعی و حتمی است، استمرار هم دارد. بر این اساس تکرار واژه عذاب و ارتباط آن با کلمات دیگر، پیوند آیات و انسجام میان آنها را به خوبی فراهم کرده است.

واژه آیات نیز از واژه‌های مهم و کلیدی در سوره است و تکرار آن در آیه‌های ۱۵، ۲۲، ۲۴ و ۲۶ اجزای سوره را به هم پیوند زده است. این تکرار نیز در راستای معنا و مفهوم کلی متن به کار رفته است. إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِرُوا بِهَا حَمَزُوا سَجْدًا وَاسْبَحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۱۵) وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَغْرَضَ عَنْهَا (۲۱) إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ أَفَلَا يَسْمَعُونَ (۲۶) جَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ (۲۴)

باتوجه به اینکه یکی از موضوعات مورد اشاره سوره، جدال میان کافران و مؤمنان است، در آیات فوق به این موضوع اشاره شده است که مومنان در زمان یادآوری خداوند، به دور از هرگونه غرور و تکبری، به سجده می‌افتند، او را تسبیح می‌گویند، در راهش صبورند و در واقع به تمام نشانه‌های او ایمان و یقین دارند. در مقابل آنها، کافران، راه کفر و ضلالت در پیش می‌گیرند، گوش شنوایی ندارد و از نشانه‌های خداوند اعراض و رویگرانی می‌کنند.

یکی از واژگان تکراری، فعل مضارع «يقولون» است که دلالت بر استمرار دارد. این واژه دو بار تکرار شده است. أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ (۳)، فعل «يقولون» در اینجا حاکی از آن است که کافران و مشرکان لجوج هرگز ایمان نمی‌آورند و به قرآن اعتقادی پیدا نمی‌کنند و همواره قرآن را برساخته پیامبر می‌دانند نه کلام خداوند. بی‌شک آمدن فعل به صورت مضارع به صورت استمرار و دائمی بودن چنین اعتقادی از سوی مشرکان را می‌رساند. براین اساس فاعل فعل «يقولون»، کافران و مشرکان لجوج است. ظاهر آیه شریفه (أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ) به قول علامه طباطبایی، افترای آنها به رسول خدا درباره‌ی همه قرآن است و محدود به یک سوره نیست (الطباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۶: ۲۴۴) بنابراین، واجب است در رد چنین تهمتی، جوابی به آنان داده شود که هرگونه، شک و شبهه را از قرآن دور کند پس خداوند با آوردن حرف اضراب بل، و جمله اسمیه‌ای که خبر آن نیز معرفه است، در مقام پاسخ به آنها برآمده و قرآن را حقیقتی از جانب خود دانسته است. آیه دیگری که فعل «يقولون»، در آن تکرار شده است، آیه ۲۸ (وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ) (۲۸) خداوند در آیات پیشین مجرمان و کافران و مشرکان را تهدید به انتقام می‌کند و در مقابل، به مومنان بشارت پیروزی و امامت را می‌دهد. مشرکان مغرورانه و از روی تکبر و تمسخر این سوال را می‌پرسند که این پیروزی و فتوحی که شما می‌گویید، کی محقق می‌شود. آمدن فعل «يقولون» به صورت مضارع، نشان‌دهنده استمرار این سخن از سوی مشرکان و کافران است. به تکرار فعل با فاعل یکسان بنگرید که چگونه ابتدا و انتهای سوره را به هم پیوند می‌زند و انسجام آن را هم در حوزه لفظ، هم در حوزه معنا و مضمون تضمین می‌کند.

۵.۱.۱.۲. تکرار جزئی یا اشتقاقی

این تکرار زمانی است که اصل و ریشه یک واژه در واژه‌های دیگر تکرار شود و «واژه با اندکی تغییر در صیغه تکرار می‌شود» (عبدالمجید، ۱۹۹۸، ۸۲). با توجه به اشتقاقی بودن زبان عربی این نوع تکرار از جایگاه خاصی در شبکه تکرارهای یک متن برخوردار است. تکرار جزئی در سوره سجده نمونه‌های فراوانی دارد که در جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول شماره ۲: تکرار جزئی در سوره سجده

واژه	صورت‌های تکرار	واژه	صورت‌های تکرار
قال	يُثْبِتُونَ - قَالُوا - قُل - الْقَوْلِ - قِيلَ	أَنِي	أَنِي - أَتَيْنَا
هدی	يَهْتَدُونَ - هُدًى - يَهْتَدُونَ - لَمْ يَهْدِ	خرج	يَخْرُجُوا - نُخْرِجُ -
عما	نَعْمَلُ - عَمَلُوا - يَعْمَلُونَ - تَعْمَلُونَ	خلق	خَلَقَ - خَلَقَ
أمن	يُؤْمِنُ - إِيمَانُهُمْ - مُؤْمِنًا - آمَنُوا	علم	عَالِمٌ - تَعْلَمُ
نظر	يُنظَرُونَ - انْتَهَى - مُنْتَظَرُونَ	كبر	لَا يَسْتَكْبِرُونَ - الْأَكْبَرِ
كان	كَانَ - كُنْتُمْ - كَانُوا - تَكُنْ	عرض	أَعْرَضَ - أَعْرَضَ
رجع	يَرْجِعُونَ - تَرْجِعُونَ - فَارْجِعْنَا	نفس	نَفْسٌ - أَنْفُسٌ
بصر	يُبْصِرُونَ - الْأَبْصَارَ - أَبْصَرْنَا	نزل	نُزُلًا - تُنزِيلٌ
سمع	السَّمْعَ - يَسْمَعُونَ - سَمِعْنَا	يقن	مُوقِنُونَ - يُوقِنُونَ
ذكر	ذُكِّرُوا - ذُكِّرَ - تَتَذَكَّرُونَ	جعل	جَعَلْنَا - جَعَلْنَا
نذر	لِيُنذِرَ - نَذِيرٌ	ذاق	تَذِيقٌ - ذُوقُوا
فسق	فَسَقُوا - فَاسِقًا	یوم	أَيَّامٌ - يَوْمٌ
نسی	نَسِيتُمْ - نَسِينَا	جنن	جَنَّاتٌ - الْجَنَّةِ
کفر	كَفَرُوا - كَافِرُونَ		

واژه (قول) و مشتقات آن، هفت بار و در آیه‌های ۳، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۲۰، ۲۸ و ۲۹ تکرار شده است که علت آن نیز به خاصیت گفتگویی برمی‌گردد که در سوره وجود دارد. این گفتگو گاهی میان خداوند و پیامبر است و گاهی میان پیامبر و مشرکان.

واژه (هدی) و مشتقات آن نیز ۵ بار و در آیه‌های ۳، ۱۳، ۲۳، ۲۵ و ۲۶ تکرار شده است. این نوع تکرار نیز در راستای هدایت انسان‌ها چه به‌وسیله خداوند و چه به‌وسیله افراد صالح به کار رفته است.

با توجه به اینکه سرنوشت نهایی انسان‌ها در گرو اعمالی است که در این دنیا انجام می‌دهند، خواه مؤمن باشند خواه کافر، واژه عمل و مشتقات آن ۵ بار در آیه‌های ۱۲، ۱۴، ۱۷ و ۱۹ تکرار شده است تا اهمیت اعمال انسانها را در این دنیا نشان دهد و چون سر نوشت هر انسانی، مرگ است و به ناچار همه به سوی خداوند برمی‌گردند، واژه رجع و مشتقات آن (سه بار) تکرار شده است تا بر این معنا دلالت کند. در همین راستا نیز، واژه آمن و مشتقات آن و واژه وقن و مشتقات آن که به گروه مؤمنان مربوط می‌شود، هر یک دو بار تکرار شد است و در مقابل نیز واژه کفر و مشتقات آن، جرم و مشتقات آن و فسق و مشتقات آن هر یک نیز دو بار تکرار شده است. بر این اساس، تمام تکرارها چه کلی و چه جزئی در راستای همان مضمون کلی سوره که تقابل دو گروه مؤمنان و کافران و اثبات مبدأ و معاد است، به کار رفته و در نتیجه انسجام واژگانی سوره را در پی داشته و سبب پیوند معنایی و لفظی آیات شده است.

۳.۱.۱.۵. اشتراک لفظی

اشتراک لفظی یعنی به کار بردن دو واژه در یک متن که صورتی یکسان اما معنایی متفاوت دارد. این نوع تکرار عکس

تراداف است. مانند لفظ «الکتاب» که یک بار در آیه دوم و بار دیگر در آیه ۲۳ به کار رفته است: تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲) وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ (۲۳)

و مراد از کتاب در آیه دوم، قرآن کریم (الطیبی، ۲۰۱۳م: ۱۲: ۳۲۹) و مراد از آن در آیه ۲۳، «تورات» است. (الطنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۱۱: ۱۵۱ و الشوکانی، ۱۴۱۴، ج ۱۲: ۳۵۸). با اینکه کتاب از نظر معنایی با هم فرق دارند، اما باز هم تکرار آن یک رابطه متنی و عامل انسجامی به شمار می‌رود.

یکی دیگر کلماتی که در حوزه اشتراک لفظی قرار می‌گیرد، واژه «ماء» است که دوبار تکرار شده است. یکبار در آیه (نَسَلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ) که مراد از آن نطفه است و یک بار در آیه ۲۷: (أَنَا نَسُوقُ الْمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ) که مراد از آن آبی است که از آسمان نازل می‌شود.

از دیگر نمونه‌های اشتراک لفظی می‌توان به واژه «ما» اشاره کرد که هم به صورت حرف نفی آمده است، هم به صورت اسم موصول، هم به صورت حرف زائده. مانند آیات: مَا آتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (۳) مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ (۴) «ما» در اینجا نافی است

«ما» در آیات: خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا (۴) فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ (۱۴)، اسم موصول است.

یا مانند آیات: قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۹) إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ. که «ما» در عبارت «قلیلا ما»، «زائده برای تأکید قلت است» (دوریش، بی تا، ج ۷: ۵۷۴) و در «إِنَّمَا» زائده کافه است یعنی بازدارنده از عمل این در ما بعد خود (همان، ج ۷: ۵۷۹)

واژه «من» نیز در حوزه اشتراک لفظی قرار دارد. گاهی، اسم استفهام و گاه دیگر اسم موصول است. مانند آیه: وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ دُكِرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ۲۱. «من» اولی، استفهام و «من» دومی، موصول است.

۵. ۱. ۲. تراداف

تراداف یا هم‌معنایی در واقع کاربرد واژگانی است که دارای معانی یکسان هستند اما در صورت با هم تفاوت دارند. دلیل استفاده از تراداف یا شبه تراداف، پرهیز از تکرار مستقیم یک واژه است. کما اینکه بیانگر قدرت مبدع متن در آوردن واژه‌های متعدد است.

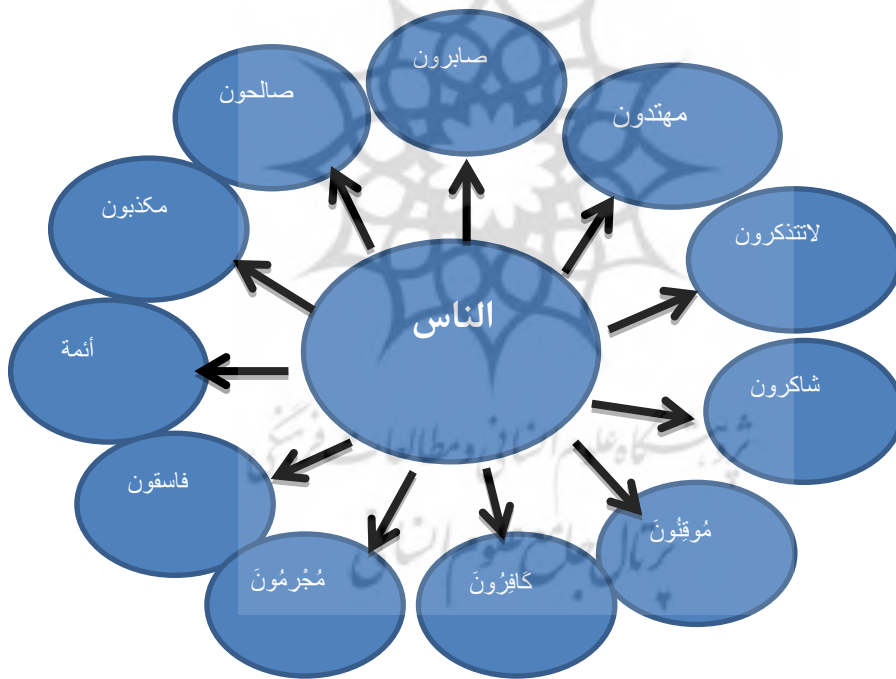
از نمونه‌های تراداف می‌توان به دو واژه «جعل» و «خلق» اشاره کرد. الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ (۷) وَثُمَّ جَعَلَ نَسَلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ (۸) در این آیه، «جعل» به معنای آفریدن و خلق کردن آمده است. راغب اصفهانی در مورد معنای واژه «جعل» چنین آورده است: «جعل» لفظ عامی است و در معانی متعددی از جمله (شدن، ایجاد کردن، خلق کردن و تبدیل کردن یک چیز به چیز دیگر) به کار رفته است (الراغب، ۱۴۱۲، ج ۱: ۱۹۷). شاید یکی از دلایل مترادف بودن این واژه این باشد که خداوند متعال در آیه (وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ) (مؤمنون: ۱۲) به جای واژه «جعل» از واژه «خلق» استفاده کرده است.

دو واژه «ریب و مریه» نیز در یک معنا به کار رفته است. مانند آیه ۲: تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۲) و فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَائِهِ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِبَنِي إِسْرَائِيلَ (۲۳) که دو واژه به معنای شک و تردید است.

از دیگر نمونه‌های مترادف می‌توان به کلمانی مانند (شاء و أراد) اشاره کرد. شاء در آیه (وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا (۱۳) و أراد در آیه (كُلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا (۲۰) یا مانند دو واژه (قوم و قرون) که در آیه سوم (لِيُثْذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ (۳) و آیه ۲۶ (كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْقُرُونِ (۲۶) آمده است.

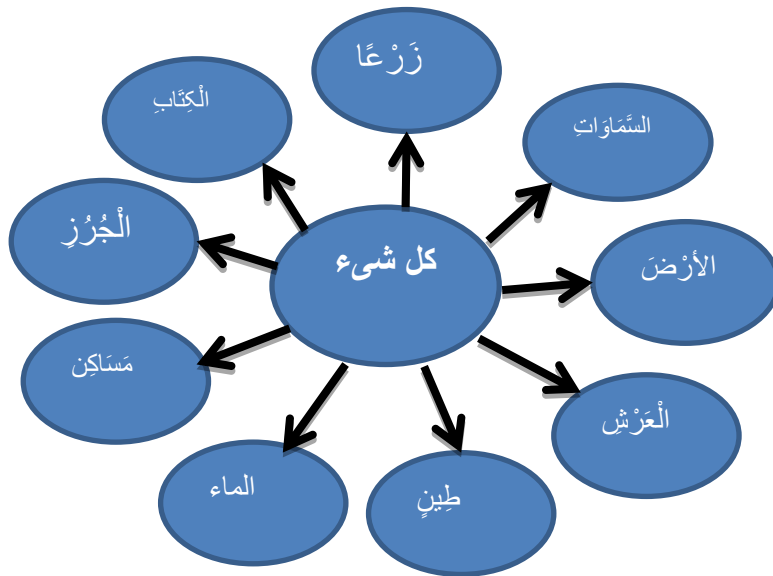
۵.۱.۲. کلمه عام

منظور کلمه‌ای است که دارای دلالت‌ها و معانی عام است. از نمونه‌های آن در سوره سجده می‌توان به کلمه (الناس) اشاره کرده که عام است و گروه‌های مختلفی را در برمی‌گیرد. الناس می‌تواند دربرگیرنده «هدایت‌شدگان (لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ)، پندناپذیران (أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ)، سپاسگزاران (تَشْكُرُونَ)، کافران (كَافِرُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا)، مجرمان (الْمُجْرِمُونَ)، اهل یقین (مُوقِنُونَ)، فاسقان (الَّذِينَ فَسَقُوا)، مومنان، صالحان و صبرپیشگان (الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ، صَبْرًا)، تکذیب‌کنندگان (تُكذِّبُونَ)، پیشوایان (أئمةً) باشد. ارتباط کلمه (الناس) با گروه‌های مختلف در نمودار زیر آمده است:



شکل شماره ۱: دلالت‌های عام واژه الناس

از دیگر کلماتی که عام است و چیزهای مختلفی را در برمی‌گیرد، کلمه (شیء) است که مشتمل بر (الکتاب، السَّمَاوَاتِ، الْأَرْضِ، الْعَرْشِ، طِينِ، الْمَاءِ، النَّارِ، مَسَاكِينِهِمْ، الْجُرُزِ، زَرْعًا) است. ارتباط کلمه (الشیء) با زیر مجموعه‌های خود در نمودار زیر آمده است:



شکل شماره ۲: دلالت‌های عام واژه الناس

۲.۵. نوع دوم: هم آبی

۱.۲.۵. تضاد

تقابل‌های دوگانه یکی از اصول اساسی نظریه ساختگرایی به شمار می‌رود و ریشه آن به نظریات دوسوسور زباشناس سویسی برمی‌گردد. از دیدگاه دوسوسور «بنیادی‌ترین واحدهایی که به نظام زبان معنا می‌دهند، مفاهیم متقابل هستند؛ چنان‌که تاریخ در مقابله با روشن معنا می‌یابد و مؤنث در تقابل با مذکر» (نهیات و دیگران، ۱۳۹۶، ۵۸) این نوع نگاه به زبان یادآور ضرب المثل «تعرف الأشياء بأضدادها» است که در فرهنگ ما به کار برده می‌شود. در تضاد، دو لفظی که مقابل همدیگرند، به اشکال مختلف به کار می‌روند. گاهی هر دو، اسم‌اند، گاهی هر دو، فعل‌اند، گاه هر دو، حرف‌اند، گاهی دیگر، یکی اسم و دیگری فعل است. از تضاد به نام‌های دیگری چون «تقابل، مطابقه، تطبیق، تکافو، تقابل الضدین، نقیضین، ایجاب و سلب یا تضایف» (هاشمی، ۱۹۹۹، ج ۱: ۳۰۳) نیز یاد می‌شود.

تضاد از این جهت باعث انسجام متنی و معنایی می‌شود که با شنیدن واژه‌ای، به طور طبیعی واژه مخالف و متضاد آن، در ذهن تداعی می‌شود و میان این دو واژه و مفهوم متن ارتباط معنایی برقرار می‌گردد. عنصر تضاد در سوره سجده از بسامد بالایی برخوردار است؛ امری که در راستای معنا و مضمون اصلی متن که همان تقابل میان مؤمنان و کافران است، به کار رفته است. حتی می‌توان گفت سوره سجده بر تضاد بنا شده است. در جدول زیر عناصر متضاد در کنار هم آمده است:

جدول شماره ۳: انواع تضاد در سوره سجده

اعرض ≠ اعید	نسینا ≠ تدعون	أمثوا ≠ فسقوا
-------------	---------------	---------------

یخروجن منها ≠ اعيدوا فيها	السماء ≠ الأرض	الْغَيْبِ ≠ الشَّهَادَةِ
الْعَذَابِ الْأَذْيِ ≠ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ	النَّارُ ≠ الماء	آمَنُوا ≠ كَفَرُوا
هُدًى ≠ ضللتنا	تُكَذِّبُونَ ≠ صادقين	جَنَّتْ ≠ جَهَنَّمَ
يُوقِفُونَ ≠ ريب و مرية	أَمْلَأُ ≠ نُخْرِجُ	مُؤْمِنًا ≠ فَاسِقًا
بَدَأَ خَلْقَ ≠ أُعِيدُوا	الرَّحِيمِ ≠ عذاب	الْجِنَّةِ ≠ النَّاسِ

تضادهای موجود در جدول فوق، در سراسر سوره پراکنده شده و در انسجام بخشی معنایی به پیکره متن نقش مهمی برعهده گرفته است. یکی از انواع تضاد، تقابل مؤمنان با مشرکان و کافران است. از این تقابل، می توان به جدی و اهل عمل بودن مؤمنان و تمسخر کفار و مشرکان پی برد.

أَيْنَمَا لَفِيَ خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ (۱۰) إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا دُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۱۵) أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ (۱۸) أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (۱۹) وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ (۲۰) قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ (۲۹)

کافران و مشرکان و فاسقان با تمسخر رستاخیز را منکر شدند. استفهام موجود در آیه نخست، انکاری است. به عبارت دیگر، «آنها منکر معاد هستند و به حساب و کتاب و بهشت و جهنم و ثواب و عقاب هیچ اعتقادی ندارند، و هر چه هست فقط همین دنیا است» (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۴۵۱). در مقابل این گروه، مؤمنان و صالحان قرار دارند که به محض شنیدن آیات الهی به سجده می افتند و به تسبیح و «حمد» خداوند روی می آورند. نه تنها وعده های الهی را مسخره نمی کنند که بسیار متواضع و فروتن هستند و از هر گونه استکبار به دورند. تقابل در اینجا از نوع تقابل مکمل است؛ زیرا نفی یکی مستلزم اثبات دیگری است. ایمان و عمل صالح با کفر و ناسپاسی ناسازگار است و اثبات آن به معنای نفی دیگری است.

تقابل دیگری که در آیه به آن اشاره شده، در مورد جایگاه آنهاست. جایگاه کافران و مشرکان و فاسقان، جهنم است و جایگاه مؤمنان بهشت است. فرجام مشرکان در مقابل فرجام مؤمنان قرار دارد، بدین شکل که هر کس به نشانه های خداوند ایمان نیاورد و اعتقادی نداشته باشد، جایگاهش، آتش دوزخ است، و هر کس به وعده های خداوند اعتماد کند و به آنها ایمان بیاورد، جایگاهش، بهشت است.

یکی دیگر از انواع تقابل در آیه (ذَلِكَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۶) آمده است. کلمه شهادت به معنای چیزی است که مشهود و حاضر در نزد مدرک باشد و کلمه غیب از نظر معنایی، مخالف آن است. علامه طباطبایی در تفسیر این آیه آورده است: «غیب و شهادت، دو معنایی اضافی و نسبی هستند، یعنی ممکن است یک چیز برای کسی یا چیزی، غیب و برای شخص یا چیزی دیگر شهادت باشد. در شهود، امر دائر مدار نوعی احاطه شاهد بر موجود مشهود است یا احاطه حسی، یا خیالی، یا عقلی، و یا وجودی، و در غیب دائر مدار نبودن چنین احاطه است و هر چیزی برای ما غیب و یا شهادت باشد، از آنجا که محاط خدای تعالی و خدا محیط به آن است، قهرا معلوم او، و او عالم

به آن است. پس خدای تعالی هم عالم به غیب و هم عالم به شهادت است، و غیر او هیچ کس چنین نیست، چون غیر او هر که باشد، وجودش محدود است، و تنها به آنچه خدا تعلیمش کرده، احاطه دارد» (الطباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱۶: ۳۸۱) از دیگر انواع هم‌آیی، تقابل میان آسمان و زمین است که در آیات مختلفی به آن اشاره شده است: مانند آیه ۴ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ، و آیه ۵ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ و آیه ۱۰ قَالُوا أَئِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ و آیه ۲۷: نَسُوقُ الْمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ.

تضاد میان آب و آتش (الماء ≠ النار) تضاد میان بهشت و جهنم (جنات ≠ جهنم) از دیگر مواردی است که وظیفه انسجام و پیوند میان آیات را برعهده دارند.

۵.۲.۲. رابطه جزء به جزء

منظور رابطه‌ای است که اجزای یک کل با یکدیگر دارند مانند رابطه میان چشم، گوش، سر، قلب و پهلو که هر یک جزئی از بدن انسان هستند. وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (۹) وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُو رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ (۱۲) تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ (۱۶) فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ (۱۷)

۵.۲.۳. واژگان مرتبط با یک موضوع معین

گاهی وجود برخی از واژگان در یک متن، واژگانی دیگری را تداعی می‌کند که با یک موضوع معین ارتباط دارند. در سوره موردنظر نیز چنین واژگانی یافت می‌شود مانند (الماء - النار - طین) که تداعی‌کننده عناصر اربعه هستند. بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ (۷) فَمَا وَاهُمْ النَّارُ... ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ (۲۰) أَنَا نَسُوقُ الْمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ یا مانند ارتباطی که میان واژه‌های آسمان، آب، زمین و کشت وجود دارد. يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يُعْرِجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ (۵) أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَا نَسُوقُ الْمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَتَخْرِجُ بِهِ زَرْعًا (۲۷).

الماء ← السماء ← الماء ← الارض ← زرع

شکل شماره ۳: واژگان مرتبط با یک موضوع معین

این نوع ارتباط، چرخه گردش آب در طبیعت و رشد گیاهان را به خوبی نشان می‌دهد.

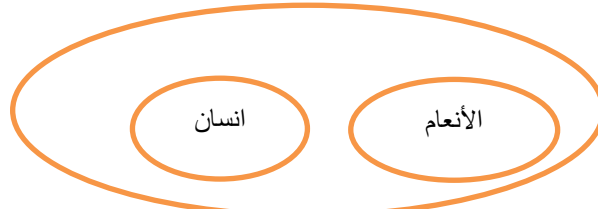
۵.۲.۴. شمول مشترک

این رابطه زمانی است که دو کلمه جزئی از یک کل منسجم نیستند، ولی اجزائی از یک کلمه شامل‌تر محسوب می‌شوند. مانند کلمه اسب که نوعی حیوان است. با این حال، دایره حیوان به مراتب بزرگتر از دایره اسب است. (عمر، ۱۹۸۲، ۹۹) در سوره مورد بحث این موضوع را می‌توان در رابطه میان انسان و چهارپار مشاهده کرد. مانند دو آیه وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ (۷) تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ (۲۷).

در اینجا، آیه ۲۷ از طریق باهم‌آیی شمول مشترک، با آیه ۷ ارتباط پیدا می‌کند. ممکن است سوال شود که هم‌آیی شمول مشترک با رابطه جزء با کل چه فرقی دارد. در پاسخ باید گفت که در رابطه جزء با کل مانند چشم و بدن، چشم

جزئی از بدن انسان است. اما رابطه میان انسان و چهارپار، رابطه شمول است؛ زیرا انسان و چهارپا هر دو جاندارند و هیچ یک زیر مجموعه دیگری نیست. (عمر، ۱۹۸۲، ۱۰۱)

جاندار



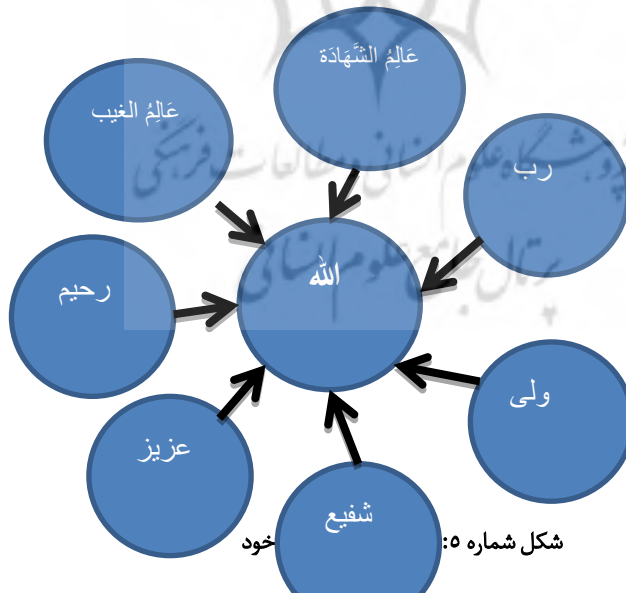
شکل شماره ۴: شمول مشترک

۵. ۲. ۵. واژگان مرتبط با یک مجموعه منظم

نوعی هم‌آبی است که از ارتباط واژگان مربوط به یک مجموعه منظم یا ترتیب خاص حاصل می‌شود (نظری، ۱۳۸۹، ۸۳). مانند رابطه‌ای که میان اعداد وجود دارد. *فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ (۴) فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ (۵)* روز، شش روز، هزار سال همگی به مجموعه منظم اعداد مربوط می‌شوند.

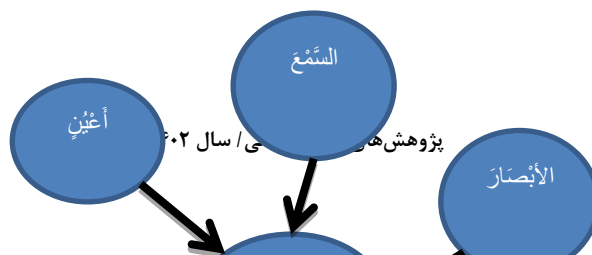
۵. ۲. ۶. ارتباط جزء با کل

رابطه‌ای است که اجزای یک کل یا صفات آن کل با خود آن کل دارند. نویسنده «با ذکر برخی از اجزاء و صفات همراه یک موضوع، تصویری خاص از آن ارائه می‌دهد» (فرج، ۲۰۰۷، ۱۱۴) مانند رابطه‌ای که میان الله با برخی از صفات آن در سوره مورد نظر وجود دارد:



شکل شماره ۵:

تمام صفات فوق (رب - ولی - شفیع - عالم الغیب - عالم السموات - عظیم - عزیز - الرحیم) به دور محور الله در گردشند. امری که باعث انسجامی واژگانی و معنایی سوره شده است. نمونه دیگر، رابطه انسان با اجزای خود:



شکل شماره ۶: ارتباط الله با صفات خود

در نمودار فوق نیز هر یک از اعضای ذکر شده جزئی از بدن انسان به شمار می‌روند و از این طریق پیوند میان آیات محقق شده است.

۶. نتایج

با بررسی عناصر انسجام واژگی در سوره سجده نتایج زیر حاصل شد:

نظریه انسجام متنی قابلیت انطباق بالایی روی سوره سجده دارد و سوره مزبور در حوزه واژگانی، از انسجام بسیار بالای برخوردار است. انواع انسجام واژگانی به ویژه تکرار نقش مهمی در پیوند و انسجام درونی و معنایی سوره ایفا کرده است.

تکرار مستقیم و تکرار جزئی در حوزه‌ی پیوستگی بیشترین نقش را برعهده دارند. واژه رب که ۱۰ بار در سطح متن و در آیه‌های مختلف تکرار شده، محور اصلی سوره سجده را تشکیل داده و نقش اصلی در انسجام معنایی با دیگر قسمت‌ها برعهده گرفته و در راستای تأکید و اثبات وجود پرورش‌دهنده واقعی انسان و اهمیت یاد و نام او در تمام مراحل زندگی به کار رفته است. واژه آیات نیز از واژه مهم دیگری است پنج بار تکرار شده است. عذاب واژه دیگری است که چهار بار و در کنار واژه وَذُوقُوا (۲ بار) و مشتقات آن «لُنذِيقَنَّهُمْ» تکرار شده است. بی‌شک تکرار این واژه نیز در راستای بخشی از معنای کلی آمده است که همان عذاب کافران و مشرکان است که منکر قرآن و وعده‌های قرآن هستند. تکرار جزئی یا اشتقاقی نیز نقش پررنگی در پیوستگی سوره ایفا کرده است. واژه «قول، عمل، هدی، ایمان، ذکر و رجوع» و مشتقات آنها نمونه نکرارهای جزئی هستند که در سراسر سوره پراکنده شده و سبب انسجام و پیوستگی آیات شده است. اشتراک لفظی و ترادف نیز هر کدام با چهار مورد و کلمه عام با دو مورد در انسجام بخشی به سوره ایفای نقش کردند.

عنصر هم‌آیی نیز با انواع مختلف خود نقش مهمی در این پیوستگی و انسجام عهده دارد. در این میان، سهم تضاد

بیشتر دیگر انواع هم‌آیی است به طوری که می‌توان گفت که سوره سجده بر تضاد بنا شده است. «رابطه جزء به جزء»، «واژگان مرتبط با یک موضوع معین»، «شمول مشترک» «واژگان مرتبط با یک مجموعه منظم»، و «ارتباط جزء با کل» از دیگر انواع هم‌آیی است که در این پیوستگی و انسجام بی‌نصیب نمانده است.

۷. منابع

- القرآن الکریم

۱. اقبالی، عباس و روح الله صیادی نژاد و محمد حسین فاضلی، (۱۳۹۶)، «تحلیل انسجام واژگانی در سوره عنکبوت»، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، سال ششم، شماره ۱، پیاپی ۱۱، صص ۹۱ - ۱۱۰.
۲. امرائی، محمد حسن، (۱۳۹۸)، «تحلیل انسجام غیرساختاری در سوره لیل با رویکرد زبانشناختی نقشگرا»، مجله ذهن، شماره ۷۷، صص ۲۱۵ - ۲۴۴.
۳. ایاضی، محمد علی، (۱۳۷۹) چهره پیوسته قرآن: پژوهش در علم تناسب قرآن، تهران، موسسه پژوهش‌های قرآنی.
۴. بلاشر، رژی، (۱۳۷۸)، در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.
۵. ترسک، رابرت، (۱۳۸۰)، مقدمات زبانشناسی، ترجمه فریار اخلاقی، تهران، نشر نی.
۶. حجازی، محمد محمود، (۱۹۷۰)، الوحدة الموضوعية في القرآن الکریم، القاهرة، دار الکتب الحديثة.
۷. حسان، تمام، (۱۹۹۳)، البیان فی روائع القرآن دراسة لغویة و اسلوبیة للنص القرآنی، قاهره، عالم الکتب.
۸. حلوه، نوال بنت ابراهیم، (۲۰۱۲)، اثر التکرار في التماسک النصي مقارنة معجمية تطبيقية فی ضوء مقالات د. خالد منیف، ریاض، جامعة الأميرة نورة بنت عبد الرحمن.
۹. خامه‌گر، محمد، (۱۳۹۷)، کارایی نظریه‌هاییدی در ترسیم انسجام متنی سوره‌های قرآن، مجله پژوهش‌های قرآنی، سال ۲۳، شماره ۱، پیاپی ۸۶، صص ۴ - ۲۹.
۱۰. خرمشاهی، بهاء‌الدین، (۱۳۷۲)، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهشی، تهران، نشر فرهنگی مشرق.
۱۱. دراز، محمد بن عبد الله، (۲۰۰۵)، النبأ العظیم نظرات جدیدة في القرآن الکریم، تحقیق، أحمد مصطفى فضلیة، تقدیم عبد العظیم ابراهیم المطعني، بیروت، دار القلم للنشر والتوزيع.
۱۲. الدرویش، محیی‌الدین، (بی‌تا)، إعراب القرآن الکریم وبیانه، دمشق، دار ابن کثیر.
۱۳. الراغب الأصفهانی، أبو القاسم الحسین بن محمد المعروف، (۱۴۱۲)، المفردات في غریب القرآن، المحقق صفوان عدنان الداودي، دمشق، دار القلم.
۱۴. ساسانی، فرهاد، (۱۳۸۹)، معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات علم.
۱۵. السیوطی، الإیتقان في علوم القرآن، (۱۹۹۶)، تحقیق: سعید المندوب، لبنان، دار الفکر.
۱۶. الشوکانی، محمد بن علی بن محمد بن عبد الله، (۱۴۱۴)، فتح القدير، دمشق، دار ابن کثیر.
۱۷. الصالح، صبحی، (۲۰۰۰)، مباحث في علوم القرآن، بیروت، دار العلم للملایین.
۱۸. الطباطبائی، السيد محمد حسین، (۱۴۱۷)، المیزان في تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمة للطبوعات.
۱۹. طنطاوی، محمدسید، (۱۹۹۷)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، القاهرة، دار نهضة مصر.
۲۰. الطوسی، أبي جعفر محمد بن الحسن، (۱۴۰۹)، التبیان في تفسیر القرآن، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

۲۱. طیب، سید عبدالحسین، (۱۳۷۸)، أطيّب البيان في تفسير القرآن، تهران، اسلام.
۲۲. الطيبي، شرف الدين الحسين بن عبد الله، (۲۰۱۳)، مقدمة التحقيق إياد محمد الغوج، امارات، جائزة دبي الدولية للقرآن الكريم.
۲۳. عبدالمجيد، خليل، (۱۹۹۸)، البديع بين البلاغة العربية واللسانيات النصية، القاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
۲۴. عمر، احمد مختار، (۱۹۸۲)، علم الدلالة، الكويت، مكتبة دار العروبة للنشر والتوزيع.
۲۵. فرج، حسام احمد، (۲۰۰۷)، نظرية علم النص، القاهرة، مكتبة الآداب.
۲۶. لفظی پور ساعدی، کاظم، (۱۳۸۵)، درآمدی به اصول و روس ترجمه، تهران، نشر دانشگاهی.
۲۷. مسلم، مصطفی، (۱۴۲۶)، مباحث في التفسير الموضوعي، دمشق، دار القلم.
۲۸. نظری، علیرضا، (۱۳۸۹)، کارکرد عوامل انسجام متنی در خطبه‌های نهج البلاغه: بر اساس الگوی نقش‌گرای هالییدی، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس، رشته زبان و ادبیات عربی.
۲۹. نهیرات، احمد و عباد محمدیان، (۱۳۹۶)، «هم‌آیی واژگانی تقابلی مکمل در قرآن کریم؛ مطالعه موردی آیات مرتبط با ترکیب «جَنَّتِ النِّعِم»»، دوره ۷، شماره ۱۷، شماره پیاپی ۷، صفحه ۵۵-۷۶.
۳۰. الهاشمی، أحمد؛ (۱۹۹۹)، جواهر البلاغه؛ بیروت، المكتبة العصرية.

31. Halliday, M. A. K (2002). *Linguistic Studies of Text and Discourse*. London: Continuum.

32. Mikk, Jaan. "Analysis of Textbooks (2000)." In *Textbook: Research and Writing*, by Jaan Mikk, 94. Frankfurt: Peter Lang.

